



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

موضوع:

ضمان غرور در حقوق ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر منصور امینی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر هادی وحید

دانشجو:

محسن مدیرروستا

۱۳۸۸ / ۱۱ / ۱۸

سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

۱۱۵۳۲۹

نام خانوادگی: مدیرروستا نام: محسن
دانشکده: حقوق شهید بهشتی رشته تحصیلی: حقوق خصوصی
نام استاد راهنما: دکتر منصور امینی
عنوان پایان نامه: ضمان غرور در حقوق ایران
تاریخ فراغت:

چکیده

فریب دادن یکی از اسباب ایجاد مسئولیت و ضمان است، این نوع مسئولیت، ضمان ناشی از فریب و خدعه است و در اصطلاح حقوقی ضمان غرور نامیده می‌شود. ضمان غرور نوعی ضمان قهری محسوب شده که در حقوق، مسئولیت مدنی نامیده و در فقه تحت عنوان قاعده غرور بحث شده است. به موجب غرور هرگاه از شخصی عملی سر بزند که باعث ورود ضرر به دیگری گردد و این ضرر به واسطه فریب خوردن وی از مرتکب عمل باشد، فریب دهنده مسئول ضرر وارده بوده و باید آن را جبران نماید. با وجود اینکه ضمان غرور از ضمانهای قهری بوده، اما در قراردادهای نیز جاری می‌باشد. اگرچه این مسئولیت بمانند مباحث اتلاف، تسبیب یا غصب بطور مستقل در حقوق مدنی ایران مطرح و بحث نشده است، ولی برخی خسارات قابل مطالبه پیش بینی شده در عقود بیع و عاریه یا غصب از آثار غرور می‌باشد.

فهرست اختصاری

صفحه

عنوان

۱مقدمه
۷بخش یکم : مفهوم قاعده غرور و دلایل اعتبار آن
۷فصل یکم : مفهوم قاعده
۱۷فصل دوم : ادله اعتبار قاعده غرور
۵۹بخش دوم : ارکان و مبانی قاعده غرور
۵۹فصل یکم : ارکان قاعده غرور
۱۰۸فصل دوم : مبانی قاعده غرور
۱۳۰بخش سوم : آثار و موانع استناد به قاعده غرور
۱۳۰فصل یکم : آثار قاعده غرور
۱۳۷فصل دوم : موانع استناد به قاعده غرور
۱۴۵نتیجه
۱۴۹فهرست تفصیلی
۱۵۲منابع

فهرست تفصیلی

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۷.....	بخش یکم: مفهوم قاعده غرور و دلایل اعتبار آن.....
۷.....	فصل یکم: مفهوم قاعده.....
۷.....	مبحث یکم: مفهوم لغوی غرور.....
۷.....	گفتار یکم: معنای لغوی غرور.....
۹.....	گفتار دوم: واژه‌های مترادف با غرور.....
۱۰.....	مبحث دوم: مفهوم اصطلاحی.....
۱۳.....	مبحث سوم: حکم مترتب بر قاعده غرور.....
۱۴.....	گفتار یکم: حکم عقلی و شرعی.....
۱۴.....	گفتار دوم: حکم تکلیفی و وضعی.....
۱۶.....	گفتار سوم: حکم واقعی و ظاهری.....
۱۷.....	فصل دوم: ادله اعتبار قاعده غرور.....
۱۷.....	مبحث یکم: حدیث نبوی «المغرور یرجع الی من غره».....
۲۲.....	مبحث دوم: سیره عقلاء.....
۲۲.....	گفتار یکم: مفهوم سیره عقلاء.....
۲۲.....	گفتار دوم: حجیت سیره عقلاء.....
۲۳.....	گفتار سوم: بنا عقلا در قاعده غرور.....
۲۵.....	مبحث سوم: اجماع.....
۲۵.....	گفتار یکم مفهوم و ارزش اثباتی اجماع.....
۲۶.....	گفتار دوم: اجماع در قاعده غرور.....
۲۷.....	مبحث چهارم: روایات وارده.....
۲۸.....	گفتار یکم: روایات باب نکاح.....
۲۸.....	بندیکم: روایات اسماعیل بن جابر.....
۳۱.....	بند دوم: روایت رفاعه.....
۳۴.....	بندسوم: روایات حلبی.....

- بند چهارم : روایت ابو عیبه ۳۶
- بند پنجم : روایت محمد بن مسلم ۳۷
- بند ششم : روایت کتاب دعائم الاسلام ۳۸
- بند هفتم : روایت ولید بن صبیح ۳۸
- بند هشتم : روایت جمهور ۳۹
- بند نهم : روایت شافعی ۴۰
- گفتار دوم: روایات باب شهادت ۴۰
- بندیکم : روایات جمیل ابن دراج ۴۰
- بند دوم : روایت محمد بن مسلم ۴۲
- بند سوم : روایت ابن محبوب ۴۳
- بند چهارم : روایت حسن بن محمد بن قیس ۴۴
- بند پنجم : روایت ابی بصیر ۴۵
- بند ششم : روایت ابراهیم بن عبدالحمید ۴۶
- گفتار سوم: روایت باب بیع ۴۷
- مبحث پنجم: قاعده لاضرر ۴۸
- مبحث ششم: قاعده تسبیب ۵۲
- مبحث هفتم: قاعده اتلاف ۵۷
- بخش دوم: ارکان و مبانی قاعده غرور ۵۹
- فصل یکم: ارکان قاعده غرور ۵۹
- مبحث یکم: ارکان قاعده غرور در فقه امامیه ۵۹
- گفتار یکم : فریب دادن ۶۰
- گفتار دوم : فریب خوردن ۷۴
- گفتار سوم : ورود ضرر ۷۸
- گفتار چهارم : رابطه سببیت ۸۴
- مبحث دوم: ارکان قاعده غرور در حقوق مدنی ۸۹
- گفتار یکم : وجود ضرر ۸۹
- گفتار دوم : ارتکاب فعل نامشروع ۱۰۱
- گفتار سوم : رابطه سببیت میان فعل شخص و ضرر وارده : ۱۰۴

۱۰۸.....	فصل دوم : مبانی قاعده غرور.....
۱۰۸.....	مبحث یکم: مبانی قانونی:.....
۱۰۸.....	گفتار یکم: قانون مدنی.....
۱۱۳.....	گفتار دوم : قانون مسئولیت مدنی.....
۱۱۴.....	گفتار سوم: قانون مجازات اسلامی.....
۱۱۴.....	مبحث دوم : مبانی نظری.....
۱۱۶.....	گفتار یکم : نظریه تقصیر:.....
۱۲۰.....	گفتار دوم : نظریه خطر.....
۱۲۳.....	گفتار سوم: نظریه کار نامتعرف.....
۱۲۵.....	گفتار چهارم: نظریه خطر در برابر انتفاع.....
۱۲۷.....	گفتار پنجم : نظریه تضمین حق.....
۱۳۰.....	بخش سوم : آثار و موانع استناد به قاعده غرور.....
۱۳۰.....	فصل یکم: آثار قاعده غرور.....
۱۳۰.....	مبحث یکم: چگونگی مسئولیت غار و مغرور.....
۱۳۴.....	مبحث دوم : قلمرو آثار قاعده غرور.....
۱۳۴.....	گفتار یکم :غرور در معاملات.....
۱۳۶.....	گفتار دوم : غرور در ضمان قهری.....
۱۳۷.....	فصل دوم : موانع استناد به قاعده غرور.....
۱۳۸.....	مبحث یکم : اقدام مغرور به ضرر خود.....
۱۳۸.....	گفتار یکم : مفهوم اقدام.....
۱۳۸.....	گفتار دوم : آگاهی و عدم آگاهی مغرور.....
۱۳۹.....	گفتار سوم : اثر قاعده اقدام بر ضمان غرور.....
۱۴۰.....	مبحث دوم : تقصیر مغرور.....
۱۴۱.....	مبحث سوم : ید ضمانی مغرور.....
۱۴۲.....	مبحث چهارم : انتفاع مغرور.....
۱۴۵.....	نتیجه :.....
۱۴۹.....	فهرست تفصیلی.....
۱۵۲.....	منابع.....

مسئولیت مستلزم آزادی اراده است و هر جامعه‌ای ناگزیر است که ابتدا این آزادی را به رسمیت بشناسد و سپس برای آن حدی قایل شود، تجاوز از این حد موجب مسئولیت می‌شود.^۱ در سایه این آزادی انسان مرتکب اعمالی می‌گردد بطوری که برخی از آنها بموجب اراده و پاره‌ای دیگر بدون اراده صورت می‌پذیرد، اعمالی که حاصل اراده و تراضی است اعمال حقوقی نامیده می‌شود مانند عقود.^۲ در صورت تخلف از مفاد آنها برای شخص مسئولیت ایجاد می‌نماید، این مسئولیت را مسئولیت عهدی می‌نامند.^۳ رویدادی که اثر آنها به حکم قانون معین می‌گردد و اراده و انشاء شخص سبب اصلی آن آثار نیست واقعه حقوقی که انواع گوناگونی دارد. گاه حادثه خارجی است که اراده در آن هیچ نقشی ندارد مانند مرگ و گاه عملی ارادی است که قانون آثار آنرا معین می‌نماید مانند غصب مال دیگری در مواردی مسئولیت ایجاد می‌نماید. این مسئولیت را ضمان قهری نامیده.^۴

مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای حقوق فردی نقش بسیار مهمی را در استیفای حقوق افراد و نتیجتاً تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی مردم ایفا می‌کند. مسئولیت مدنی به معنای اعم کلمه شامل مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد می‌گردد.^۵

^۱ - حسینی نژاد حسینقلی، مسئولیت مدنی، ص ۱، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۷.

^۲ - کاتوزیان ناصر، وقایع حقوقی، ص ۱، انتشارات یلدا، چاپ سوم، سال ۱۳۷۴.

^۳ - حسینی نژاد حسینقلی، مسئولیت مدنی، ص ۲۶.

^۴ - کاتوزیان ناصر، وقایع حقوقی، ص ۱.

^۵ - کاتوزیان ناصر، ضمان قهری، ج ۱، ص ۷۴، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۷۸.

اسباب ایجاد کننده مسئولیت متعددند. از جمله سببهای موجب ضمان اغواء و فریب است. موضوع این تحقیق نیز ضمان ناشی از فریب است. می‌خواهیم بدانیم چنانچه بر اثر خدعه شخص، ضرری به غیر وارد آید آیا قابل جبران است؟ این ضرر چگونه و به چه نحو می‌بایست جبران گردد؟ و مسئول جبران آن کیست؟ برای پاسخ به چنین سؤالاتی ابتدا ضرورت دارد قلمرو مسئولیت تبیین گردد. بدین منظور موضوع در قراردادها و الزامات خارج از قرارداد بررسی می‌گردد. فریب ممکن است در حین انعقاد قرارداد صورت پذیرد یا در جریان یک عمل مادی غیر قراردادی حادث شود و بر اثر این دو امر خسارتی متوجه شخص گردد، به عنوان مثال فریب خوردن خریدار در یک معامله خرید فروش یا فریب شخصی که در نتیجه آن، فریب خورده مال غیر را تلف نماید. به عبارت دیگر قلمرو ضمان غرور در قرارداد و ضمان قهری بوده. اگرچه بعضاً این مسئولیت به موجب قرارداد ایجاد می‌شود ولی به هیچ وجه مسئولیت قراردادی تلقی نمی‌گردد. منشأ مسئولیت قراردادی، قرارداد و ناشی از تأخیر یا عدم اجرای قرارداد بوده ولی در ضمان غرور تأخیر در اجرای قرارداد مطرح نمی‌باشد. با توجه به اینکه منبع و مرجع بیشتر قوانین موضوعه ما فقه امامیه بوده و نظریه اینکه خواستگاه اولیه ضمان غرور فقه بوده و پرداختن به آن بدون توجه به مباحث فقهی تقریباً ممکن نبوده لذا متون فقهی و قانونی توأمان بررسی می‌گردد. در مواقعی مطالب تحت یک عنوان بررسی و نظرات مختلف فقها و حقوقدانان بیان می‌شود. و در صورتیکه بررسی مجزا اقتضا نماید موضوعات در فقه امامیه و متون حقوقی جداگانه تشریح می‌گردد.

قاعده غرور در حقوق موضوعه به طور مختصر مطرح شده است ولی در فقه امامیه که پایه‌های حقوق مدنی بر آن استوار است نشان می‌دهد که در کنار قواعدی چون لاضرر -

اتلاف و تسبیب... قاعده دیگری به عنوان منبع ایجاد کننده مسئولیت مورد استناد فقها قرار گرفته است. در این بررسی غرور و فریب به عنوان سببی مستقل در ایجاد ضمان و تاثیر مستقل قاعده در معاملات و ضمانهای قهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. از دیگر مطالب مطروحه در این تحقیق نوع حکم مستنبط در دلایلی که برای اثبات قاعده مورد استناد قرار می‌گیرد می‌باشد. ضمان غرور در فقه امامیه به عنوان یک قاعده فقهی شناخته شده است. منظور از قاعده فقهی فرمولهای بسیار کلی است که منشاء استنباط قوانین محدودتر بوده و اختصاص به یک مورد خاص ندارد بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرد.^۱ برخی از حقوقدانان قاعده فقهی را حکمی کلی فقهی که در ابواب مختلف فقه یا موضوعات متعدد بکار می‌رود مانند قاعده لاضرر که در باب بیع، اجاره، نکاح... و ابواب فقهی دیگر بکار می‌رود تعریف نموده‌اند.^۲ برخی از این قواعد فقهی بصورت ماده قانونی در قانون مدنی آورده شده است از جمله ماده ۳۰ قانون مدنی (هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد) یا ماده ۲۲۳ قانون مدنی (هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود) و در برخی موارد قواعد فقهی در مواد قانونی صریحاً بیان نشده است. بمانند اینکه هرکس مال دیگری را متصرف شود باید آن را به مالکش بدهد که در فقه قاعده ید می‌گویند.^۳

^۱ - محقق داماد سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، ص ۲۱، نشر علوم اسلامی، چاپ پنجم، سال

۱۳۷۵

^۲ - محمدی ابوالحسن، قواعد فقه، ص ۱۴، نشر دادگستر، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۰.

^۳ - امامی سید حسن، قانون مدنی، ج ۲، ص ۷، انتشارات اسلامیه، چاپ دوازدهم، سال ۱۳۷۵.

برای بیان جایگاه ضمان غرور در فقه علاوه بر دانستن مفهوم قاعده فقهی که بیان شد، تعریف دو واژه مساله فقهی و مساله اصولی نیز ضرورت دارد.

مساله فقهی بیان حکم کاری که مکلف باید انجام دهد یا نباید انجام دهد و بیان برخی از موضوعات که جنبه عرفی ندارند تعریف شده.^۱

مساله اصولی قاعده‌ای کلی است که برای رفع نیاز فقیه در تشخیص تکالیف کلی مکلفان آماده و فراهم شده باشد.^۲ با توجه به تعاریف ارائه شده و با عنایت به تعریف و ادله ضمان غرور که در مباحث آینده بطور مفصل بحث گردیده و چنانچه عبارت مشهور (المغرور یرجع الی من غره) را در نظر بگیریم در می‌یابیم که در این عبارت درباره چگونگی استنباط احکام شرعی و ابزار استنباط صحبت نشده بلکه مشتمل بر یک حکم فقهی کلی است بنابراین جزء مسایل اصولی تلقی نمی‌شود. از طرف دیگر حکم مطروحه اختصاص به یک موضوع نداشته و حکمی کلی که در بابهای مختلف مانند بیع، اجاره، صلح و... کاربرد داشته می‌باشد.

با این توضیح معلوم می‌گردد که ضمان ناشی از خدعه و فریب از جمله احکامی است که در قالب قاعده فقهی مطرح می‌گردد و همانگونه که بعداً اشاره خواهد شد بسیاری از فقها آن را به عنوان یک قاعده فقهی مستقل می‌شناسند. با توجه به موضوع تحقیق ضرورت داشت ابتدا کتب مرتبط شناسایی گردد، در این راه پس از شناخت و مطالعه این کتب که بعضاً به طور مستقل به قاعده غرور پرداخته به مانند قواعد فقه میرزا حسن بجنوردی، مکارم شیرازی، ابوالحسن محمدی و برخی دیگر ضمن مباحث دیگر به قاعده غرور اشاره داشته به مانند

^۱ - محمدی ابوالحسن، قواعد فقه، صص ۱۴-۱۵.

^۲ - منبع پیشین، ص ۱۵

مکاسب شیخ مرتضی انصاری ، جواهرالکلام محمد حسن نجفی و ضمان قهری کاتوزیان مطالب جمع آوری گردیده ، پس با محوریت فقه هر موضوع تشریح و نظرات مختلف فقها و حقوقدانان بیان و با متون قانونی تطبیق داده شده است. اگرچه ممکن است فقهای پیشتر از علامه حلی نیز در خصوص غرور بحث نموده باشند ولی قدیمی ترین کتاب که مورد ملاحظه قرار گرفته مختلف الشیعه بوده . در باب نکاح این کتاب به غرور اشاره داشته ^۱ فقهای پس از وی نیز بنا به مورد در ابواب مختلف راجع به غرور صحبت کرده و با گذشت زمان بحث‌های مفصل تری مطرح و کم کم به عنوان یک قاعده مستقل شناخته شده ، به طوریکه فقهای متأخر در کتب قواعد فقه ، قاعده غرور را در کنار سایر قواعد به طور مبسوط تشریح نموده اند. حقوقدانان نیز پیروآن به زبان فارسی موضوع را مطرح و با ذکر مصادیق قانونی به توضیح قاعده پرداخته اند.

مطالب این پایان نامه پس از بیان یک مقدمه در سه بخش ارائه می‌گردد. در بخش یکم مفهوم قاعده غرور و دلایل اعتبار آن مطرح می‌گردد. فصل یکم به بررسی مفهوم قاعده غرور اختصاص دارد. در مبحث یکم ابتدا مفهوم لغوی واژه‌هایی مانند غرور، غار و مغرور بررسی می‌شود. سپس در مبحث دوم به مفهوم اصطلاحی پرداخته و درخاتمه در مبحث سوم نوع حکم مستفاد از آن مطالعه خواهد شد.

در فصل دوم ادله اعتبار قاعده غرور بررسی می‌گردد در این فصل طی هفت مبحث دلایل اعتبار قاعده مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

^۱ - علامه حلی، مختلف الشیعه ، جلد ۲، ص ۱۱۲، مکتب نینوی الحدیثه، سال ۱۳۲۴ه.ق

در بخش دوم ارکان و مبنای قاعده غرور بررسی می‌شود. در فصل یکم ارکان قاعده غرور در فقه امامیه و حقوق مدنی طی دو مبحث مطالعه می‌گردد. فصل دوم به مبنای قاعده غرور در دومبحث اختصاص دارد. در مبحث یکم مبنای قانونی قاعده غرور و در مبحث دوم مبنای نظری قاعده غرور بررسی می‌گردد. و بخش سوم اختصاص دارد به آثار و موانع استناد به قاعده غرور که در فصل یکم طی دو مبحث آثار قاعده غرور بررسی می‌گردد و در فصل دوم موانع استناد به قاعده غرور در چهار مبحث بیان و در پایان نتایج بخشهای انجام شده ارائه می‌شود.

بخش یکم: مفهوم قاعده غرور و دلایل اعتبار آن

مطالب این بخش در دو فصل طرح شده، در فصل یکم مفاهیم غرور از حیث لغوی و اصطلاحی و در فصل دوم دلایل اعتبار قاعده در احادیث و در روایات مختلف و استفاده از قواعد فقهی دیگر و اجماع و سیره عقلاء مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل یکم: بررسی مفهومی

این فصل مفهوم غرور از حیث لغوی و در اصطلاح و احکام مترتب بر آن در سه گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث یکم: مفهوم لغوی غرور

پیش از آنکه غرور در معنای اصطلاحی مورد بررسی قرار گیرد بهتر است با مفهوم لغوی و مشتقات آن آشنا شویم زیرا خواهیم دید که مفهوم اصطلاحی با مفهوم لغوی آن منطبق می‌باشد. به همین خاطر با رجوع به کتب لغت عربی، به بررسی ریشه‌ای آن می‌پردازیم.

گفتار یکم: معنای لغوی غرور.

غرور از مصدر فعل «غرَّ» به معنای «خدعه کرد»، «بخاطر امر یا هدف باطلی به طمع انداخت» و «زینت دادن نادرست به گونه‌ای که شخص تصور راست و درست نماید»^۱ بیان شده است.

^۱ - خوری شرتونی لبنانی سعید ، اقرب الموارد ج ۲، ص ۸۶۷، انتشارات مکتب آیه اله العظمی مرعشی

نجفی ، سال انتشار ۱۴۰۳ ه. ق

در کتاب المنجد عبارت غر، غراً و غره «فریب دادن و خوردن مال دیگری به باطل معنا گردیده است»^۱ و همین معنا در کتاب المعجم الوسیط بیان گردیده است. فعل اغرُّ به معنای «در خطر قرارداد»^۲ معنا شده است. عبارت اغتر چنین معنا شده «در حالیکه گمان می‌کرده در برابر خورد بیان شده است» و عبارت استغرُّ نیز به همین معنا آورده شده است.^۳ برای واژه غارُّ به تشدید «راء» معانی چون «غافل، ناچیز، چاه کن، باطل» را بر شمرده‌اند ولی فقها عبارت غارُّ را اسم فاعل از فعل غرُّ به معنای فریب دهنده استعمال نموده‌اند. اما مغرور که اسم مفعول از فعل غرُّ است به معنای «فریب خورده و فریفته» ذکر شده است.^۴ مصدر غرور نیز به معنای «فریب، حيله و زینت دادن نادرستی به گونه‌ای که تصور درستی روت» بیان شده است.^۵

^۱ - مدکور ابراهیم ، المعجم الوسیط ج ۵، ص ۸۶۷ ، انتشارات ادب حوزه ، سال انتشار ۱۴۰۵ ه . ق

^۲ - خوری شرتونی لبنانی سعید ، اقرب الموارد ، ج ۲ ، ص ۸۶۶ .

^۳ - سیاح احمد ، فرهنگ سیاح ، ج ۲ ، ص ۱۱۴۷ .

^۴ - صفی پور عبدالرحیم بن عبدالکریم ، منتهی الارب ، ج ۳ و ۴ ، ص ۹۱۲ ، سیاح احمد ، فرهنگ سیاح ، ج ۲ ص ۱۱۴۸ ، معلوف لويس . المنجد ، ص ۵۴۶ ، خوری شرتونی لبنانی سعید ، اقرب الموارد ، ج ۲ ، ص ۸۶۶ .

^۵ - معلوف لويس ، المنجد ، ص ۵۴۶ ، خوری شرتونی لبنانی سعید ، اقرب الموارد ، ج ۲ ، ص ۸۶۶ ، صفی پور عبدالرحیم بن عبدالکریم ، منتهی الارب ج ۳ و ۴ ، ص ۹۱۲ ، سیاح احمد ، فرهنگ سیاح ، ج ۲ ص ۱۱۴۸ .

^۶ - خوری شرتونی لبنانی سعید ، اقرب الموارد ، ج ۲ ، ص ۸۶۷ .

گفتار دوم: واژه‌های مترادف با غرور

دو واژه خدعه و تدلیس در روایات مربوط به غرور و عبارات فقها به کرات بکار رفته است. تدلیس، به معنای «پنهان کردن عیب متاع برخریدار» است.^۱ و خدعه در المنجد «نشان دادن خلاف چیزی که پنهان است» معنا شده^۲ و در منتهی الارب بدین گونه معنا شده: «کسی که مردم او را بسیار فریب دهند»^۳ به نظر می‌رسد معنای اخیر با معنایی که دو دانشمند دیگر بیان نموده‌اند مطابقت ندارد. زیرا بازگشت معنای اخیر، فریب خورده است در حالیکه مفهوم ارائه شده از سوی سایرین به فعل تدلیس کننده باز می‌گردد. و این به نظر صحیح‌تر است.

با توجه به مفاهیم بیان شده از عبارات غرور، تدلیس و خدعه ملاحظه می‌گردد مفهوم آنها به یکدیگر نزدیک است، به همین خاطر برخی از فقها بیان داشته «عباراتی چون غرور، خدعه و تدلیس در لغت، عرف دلالت اخبار وارده همگی به یک چیز باز می‌گردند و در لغت هریک به دیگری تعریف شده‌اند و در فرمایش امام «ع» «کما غر الرجل و خدعه» ظاهراً هر دو به یک معنا بکار رفته است نه اینکه غرور یک قاعده و خدعه قاعده دیگری یا هریک از دو عنوان جزئی از موضوع باشد و این امر روشن است.^۴

^۱ - معلوف لويس ، المنجد ، ص ۲۲۲ ، صفی‌پور عبدالرحیم بن عبدالکریم ، منتهی الارب ، ۱ و ۲ ،

ص ۳۸۲.

^۲ - معلوف لويس ، المنجد ، ص ۱۷۰.

^۳ - صفی‌پور عبدالرحیم بن عبدالکریم ، منتهی الارب ، ج ۱ و ۲ ، ص ۳۰۲.

^۴ - امام خمینی ، روح اله ، البیع ص ۳۳۵ و ۳۳۶. موسسه النشر الاسلامی ، چاپ پنجم ، سال ۱۴۱۵ ه. ق.

مبحث دوم : مفهوم اصطلاحی

قاعده غرور از قواعد معروف و مشهور فقه در باب ضمان است. با این وجود فقها در آثار خود بطور منظم و منسجمی در این باره بحث ننموده‌اند و بنا بر مورد هنگام استناد به آن در موضوعی به مفهوم دلایل اعتبار و عدم اعتبار آن بدون آنکه تعریف دقیقی از آن ارائه نمایند، پرداخته، بنابراین برای ملاحظه تعریف، شرایط تحقق و ادله حجیت قاعده باید به معدود کتب قواعد فقهی که توسط فقهای متأخر تألیف شده است، مراجعه نمود.^۱

مرحوم میرزا حسن موسوی بجنوردی در کتاب القواعد الفقهیه قاعده غرور را اینگونه تعریف نموده است: «غرور عبارت است از صدور کاری از کسی که موجب زیان دیگری شود و این زیان به واسطه فریب خوردن این از آن باشد هر چند آن دیگری قصد فریب دادن کسی را نداشته باشد و خود او نیز فریب خورده و جاهل و نادان و یا در اشتباه باشد».^۲ صاحب عناوین به نظر می‌رسد بدون آنکه قصد ارائه تعریف دقیقی داشته باشد بیان می‌دارد: «هرکس طرف مقابل خود را به چیزی فریب دهد فریب دهنده در برابر فریب خورده ضامن جبران خسارات وارده است». در ادامه مثالهایی را جهت روشن شدن موضوع عنوان می‌نماید: «...مانند اینکه کسی غذای شخص را پیش دیگری قرار دهد و او آن را بخورد یا مال دیگری را بعنوان مال خود بفروشد و موجب شود مشتری بابت ثمن یا از دست دادن نما و منافع آن

^۱ - موسوی بجنوردی میرزا حسن ، القواعد الفقهیه ، انتشارات موسسه اسماعیلیان ، سال انتشار ۱۳۷۱ ه.ق.

مراغه‌ای میر عبدالفتاح، عناوین چاپ سنگی، سال ۱۲۹۷ ه.ق. مکارم شیرازی ناصر، القواعد الفقهیه، انتشارات دارالمعلم قم، چاپ سوم ، سال ۱۳۸۲ ه.ق.

^۲ - موسوی بجنوردی میرزا حسن ، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۲۵.

زیان بیند.»^۱ مرحوم محمود شهابی در تعریف قاعده غرور بیان نموده: «هرگاه کسی شخص دیگری را فریب دهد و در نتیجه موجب تلف مالی از او گردد بدینگونه که در کاری تدلیس کند یا به چیزی غش بزند یا بعنوان مالک بودن ملک شخص دیگری را بفروشد باید از عهده ضرر شخصی که فریب خورده برآید.»^۲ برخی نیز قاعده غرور را اینچنین تعریف نموده اند: «مدلول قاعده غرور این است اگر کسی شخصی را به نحوی مغرور بکند و باعث شود که مالی را مغرور غرامت بکشد و یا مالی از او تلف شود و از دست او برود یعنی مالی از مغرور تلف شود یا من باب غرامت برای کسی و یا من باب دیگر شخص غار ضامن مغرور است و مغرور حق دارد رجوع کند به غار بابت آنچه که بر او تلف شده و یا غرامت کشیده.»^۳ محقق داماد در کتاب قواعد فقه، قاعده غرور را چنین تعریف نموده: «هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث گول خوردن شخص دیگری بشود و ضرر و زیانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارده بر آید.»^۴ برخی نیز بدون ذکر فریب دادن غرور را چنین تعریف نموده: «هرگاه شخصی مالی را که قانوناً حق ندارد آنرا معامله کند به دیگری منتقل کند و منتقل الیه از غیر قانونی بودن تصرف خود آگاه نباشد قانوناً ملزم است که عین مالی را که بدست آورده است به مالک اصلی رد کند و اگر آن مال را تلف یا ناقص نماید یا خود بخود تلف شود یا از آن نفع ببرد یا نفع آن خود بخود فوت

۱ - مراغه‌ای میر عبدالفتاح، عناوین، ص ۳۲۳.

۲ - شهابی محمود، قواعد فقه، انتشارات دانشگاه تهران، سال انتشار ۱۳۳۳، ص ۹۳.

۳ - فیروز کوهی شیخ علی بابا، قواعد الفقه، چاپ فردوسی، بی تا، ص ۱۵۴.

۴ - محقق داماد سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، ص ۱۷۱.

شود در تمام این صورتها منتقل الیه به نفع مالک اصلی مسئول است ولی پس از پرداخت خسارت به مالک اصلی آنچه را که پرداخته است می‌تواند عیناً از ناقل آن مال مطالبه نماید و ناقل مال در مقابل منتقل الیه مسئول است و این مسئولیت ناقل را ضمان غرور می‌گویند... ضمان غرور به معنای ضمان تسبیب است.^۱ با ملاحظه تعاریف ارائه شده نکاتی چند قابل توجه بوده که ذیلاً ذکر می‌گردد.

نکته یکم: برخی از حقوقدانان در مقام تعریف ضمان غرور از انتقال غیر قانونی مالی صحبت نموده‌اند که از دو حیث قابل انتقاد به نظر می‌رسد. اول آنکه ذکری از فریب دادن یا فریب خوردن شخصی به میان نیامده در حالیکه غرور همانگونه که از معنای لغوی آن بر می‌آید ضرر مبتنی بر عمل فریبکارانه است. مگر آنکه با مسامحه چنین تفسیر نمایم شخص که قانوناً حق انتقال مالی را نداشته و با این وجود منتقل می‌نماید در واقع این ذهنیت را برای منتقل الیه ایجاد نموده، ناقل مالک است یا در انتقال ماذون از مالک است و با این تصور معامله نموده و از عمل ناقل فریب خورده دچار ضرر گردیده، پس فریب دادن یا فریب خوردن در تعریف مستتر است. چه بسا منتقل الیه می‌دانست ناقل مالک نبوده هرگز اقدام به معامله نمی‌نمود ولی به نظر می‌رسد قید عبارت فریب دادن شایسته‌تر باشد. انتقاد دیگر ذکر تحقق غرور در معاملات است در حالیکه هیچکس نگفته قاعده غرور صرفاً در معاملات مجراست و در ضمان قهری جاری نمی‌باشد، همچنانکه در این خصوص در مباحث آینده بطور مفصل بحث و مثالهایی نیز بیان می‌گردد. مگر آنکه بگوییم این حقوقدان بزرگ در مقام بیان مصداقی

^۱ - جعفری لنگرودی محمد جعفر، ترمینولوژی ص ۴۲۲-حقوق، انتشارات گنج دانش، سال انتشار ۱۳۷۶،

از جریان قاعده غرور بوده و قصد انحصار موضوع به معاملات را نداشته است، به عبارت دیگر مصداقی را به عنوان توضیح مطلب بیان نموده اند.

نکته دوم: غاراً اسم فاعل و به معنای فریب دهنده است و قصد و عمد بصورت مستتر در آن وجود دارد و به شخص جاهل که فاقد عمد و قصد است، فریب دهنده اطلاق نمی‌شود زیرا چگونگی ممکن است شخص که خود چه بسا فریب خورده و جاهل به موضوع است، فریب دهنده باشد. در پاسخ می‌توان گفت در صدق عناوین افعال عمد و قصد شرط نیست^۱ و بدون قصد هم تحقق می‌یابند. به عنوان مثال کسی که ناگاه دستش را تکان داده و ظرف چینی را بر زمین پرت کرده، می‌شکند؛ اگر چه قصد شکستن ظرف را نداشته ولی برای بیان آن فعل متعدی شکاند استفاده می‌شود، که نیازمند فاعل و مفعول در حالیکه به هیچ وجه قصد شکستن را نداشته است.

نکته سوم، تفاوت مهمی که برخی تعاریف با یکدیگر دارند این که قصد فریب دادن عنصر غرور شمرده نشده حال آنکه در برخی دیگر این موضوع مسکوت مانده است.^۲ البته در مبحث شرایط غرور به این موضوع بیشتر پرداخته می‌شود.

مبحث سوم: حکم مترتب بر قاعده غرور

پیش از آنکه به حکم قاعده غرور پرداخته شود، لازم است ابتدا برخی اقسام از احکام فقهی مورد بررسی قرار گیرد. احکام به اعتبارات مختلف به اقسامی تقسیم می‌گردند ولی آنچه

^۱ - موسوی بجنوردی میرزا حسن، القواعد الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۵.

^۲ - محمدی ابوالحسن، قواعد فقه، ص ۸۴.

که در اینجا مدنظر است تقسیم احکام به عقلی و شرعی؛ تکلیفی و وضعی؛ واقعی و ظاهری، می‌باشد.

گفتار یکم: حکم عقلی و شرعی

برخی پس از تقسیم حکم به اعتبار حاکم آن به حکم عقلی و شرعی بدون ارائه تعریفی از حکم عقلی، حکم شرعی را چنین تعریف نموده‌اند: «خطابی شرعی که از حیث اقتضاء یا تخییر یا وضع به افعال مکلفان تعلق یافته باشد».^۱

با توجه به تعریف از حکم شرعی می‌توان نتیجه گرفت در حکم عقلی حاکم عقل است و با توجه به معیارهای مورد قبول عقل درباره فعل مکلفان حکم می‌گردد. برخی در مقام تعریف دلیل عقلی گفته‌اند: «هر حکم عقلی که موجب قطع به حکم شرعی گردد و به تعبیر دیگر هر قضیه عقلیه‌ای که به وسیله آن بتوان علم قطعی به حکم شرعی حاصل نمود، آنرا دلیل عقلی گویند».^۲

گفتار دوم: حکم تکلیفی و وضعی

بنابر آنچه بیان شد احکام شرعی به اعتباری به دو قسم تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شوند. هرگاه حکم شرعی چنین باشد که بی‌واسطه یعنی اولاً و بالذات به افعال مکلفان تعلق و ارتباط

^۱ - شهابی محمود، قواعد فقه، صص ۲۵ و ۲۶.

^۲ - محقق داماد سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه، ج ۲، ص ۱۱۶، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی،

چاپ نهم، سال ۱۳۷۹.